

صحن عزادر ظهر عاشورا

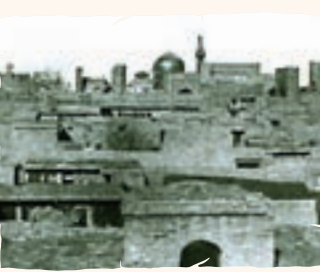
درباره نخستین عکس از عزاداری مردم مشهد در حرم مطهر رضوی در عاشورای ۱۳۲ سال پیش

مجید ادیبی| اگر حساب و کتاب سال و ماه رادر نظر بگیریم، احتمالاً چیزی حدود ۱۸۰ سال از عمر حرفه عکاسی در ایران می‌گذرد، هرچند پس از همه‌گیر شدن اختراع لوئی داکر (یکی از پیشگامان عکاسی) و ثبت نخستین نمونه عکس کاغذی به شیوه داگروتیپ از «ملک قاسم میرزا» به سال ۱۲۱۷ خورشیدی، احتمالاً قدمت فن عکاس در ایران یکی دوسالی بیشتر از ۱۸۰ سال می‌شود. ایران دوره قاجار اگر چه از حیث توسعه یافتگی و رشد اقتصادی واجتماعی، فاصله‌ای دور و دراز با جهان غرب داشت، این فاصله در زمینه عکاسی

بسیاری بر این باورند که ناصرالدین شاه قاجار، نقشی بی‌بدیل در گسترش و رواج عکاسی در ایران داشته و اسباب و مقدمات پیشرفت این حرفه را فراهم کرده‌است. این نظر تا حدودی درست است، اگر بخواهیم یک دهه را نادیده بگیریم. دقیقاً ۱۰ سال قبل از مرگ محمد شاه قاجار و دست به‌دست شدن تاج و تخت از محمد شاه به ناصرالدین میرزا، مقدمات گسترش عکاسی در ایران فراهم شده بود، آن هم با حضور عکاسان خارجی در ایران. ژول ریشار، مستشار و افسر نظامی اهل فرانسه بود که پیش از مرگ محمد شاه به کار نقشه‌برداری و عکاسی در ایران مشغول بود و اولین عکس به شیوه داگروتیپ راوی از ناصرالدین میرزا گرفت و پس از به‌قدرت رسیدن ناصر و تغییر پسوندد میرزا به شاه، ژول ریشار هم جایی در دل سلطان تازه به‌دوران رسیده قاجار باز و نخستین مأموریت مهمش را با مهر وامضای شاه جوان دریافت کرد. او مأمور شد فرمان عکس برداری از آثار و ابنیه تاریخی ایران را به اجرا بگذارد و نخستین تصاویر ثبت شده از سنگ‌نوشته‌ها و سنگ‌نگاره‌های

عکاسی از سرحدات خراسان و سایر ولایات ایران، کاریک‌نفر نبود، این شد که یک نام دیگر از افسران ایتالیایی در عکاسی ایران به میان آمد: جیانوزی، او نخستین عکاس خارجی است که از سوی ناصرالدین شاه مأمور شد تا چند مجموعه عکس از ابنیه خراسان و مجموعه آستان قدس تهیه کند. نخستین عکس ثبت‌شده از حرم مطهر رضوی نیز مربوط به همین جناب جیانوزی است. البته با این تفاوت که او مجبور بوده‌است از نمایی دور و در محدوده پایین خیابان (خیابان نواب صفوی امروزی) از‌گنبد و بارگاه مطهر رضوی عکاسی کند، زیرا در آن روز گار ورود غیرمسلمان به حرم قدغن بود. ناگفته نماند که اولین تصویر آرامگاه نادرشاه افشار نیز از سوی همین افسر ایتالیایی به ثبت رسیده‌است. همچنین

افسر ایتالیایی اولین عکس مشهد را گرفت



بر اساس پژوهشی که از سوی نسرين ترابی صورت گرفته، گویا قدیمی ترین عکس‌هایی که از مشهد وجود دارد، مربوط به جیانوزی است که بین سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۵ هجری قمری (بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۷ خورشیدی) گرفته‌شده و اکنون در آلبوم ۳۰۴ کاخ موزه گلستان خودنمایی می‌کند.

افتخاری که به نام آقارضا عکاس باشی ثبت شد



اطلاعات عکس‌ها نداشته و در برخی موارد، این شخص ناصرالدین شاه بوده که جور کم‌کاری‌های منوچهر خان را می‌کشیده است و تداوم همین بی‌حوصلگی‌ها و بی‌دقتی‌ها از سوی منوچهر خان، باعث شد او مغضوب شاه شود و کم‌کم بساطش را از عکاسخانه مبارک هماپونی جمع کند، در همان سال (۱۲۶۱ خورشیدی) به فکر تأسیس عکاسخانه‌ای در تبریز بیفتد. اما این به معنای افول عکاسان دربار سلطان صاحبقران نبود، به‌نوعی آغاز دوران جوشش استعدادی درخشان از دانشجویان نخبه مدرسه دارالفنون هم بود.



عصر چهارم شهریور یک روز معمولی نبود

اگر چه فرصت عکاسی از مهم ترین مکان مذهبی ایران قبل از عبدا... قاجار نصیب آقارضا عکاس باشی و منوچهر خان شده بود، دو تصویر ثبت شده از این مکان مقدس، اکنون به عنوان یکی از مهم ترین اسناد به جامانده از دوران قاجار با موضوع عزاداری مردم مشهد در روز عاشورا شناخته می‌شود و این افتخار نصیب عبدا... قاجار شد. ماجرای ثبت دو فریم عکس مربوط می‌شود به عاشورای سال ۱۳۰۸ هجری قمری، دقیقا سه‌شنبه‌روزی مصادف با چهارم شهریور ۱۲۶۹ خورشیدی. این دو فریم به جامانده از عاشورای ۱۳۰۸ هجری قمری، نخستین تصاویر ثبت شده از عزاداری مردم مشهد در روز عاشورای حسینی در حرم مطهر رضوی و سندی مهم در باره نوع و شیوه عزاداری مردم مشهد و از آن‌ران در روز عاشورا ست. آنچه در عکس هویدا است، نمایی از گنبد و گلدسته است و عکاس روی یکی از پشت‌بام‌های مشرف به صحن کهنه (انقلاب) این رویداد را به ثبت رسانده است. در نگاه اول تصاویر گویا است؛ جمعیت پر شور و بی‌شمار عزاداران که در قالب هیئت‌های عزاداری

عبدا... میرزا، شازده عکاس یا نخبه



رواج دهد. به‌گواهی اسناد، عبدا... میرزا پرکارترین عکاس دوره قاجار است و مأموریت‌های پیاپی و فراوانی که از ناصرالدین شاه برای عکاسی از مناطق مختلف ایران گرفته، بیانگر اعتماد ویژه سلطان صاحبقران به اوست. عبدا... قاجار علاوه بر عکاسی از ابنیه تاریخی، مأموریت‌های ویژه‌ای هم برای ثبت تصاویری از ساخت و سازهای تازه در ایران داشت.

ماجرای خواندنی یک مأموریت ویژه

کرد و علاوه بر مأموریت‌هایی که از شاه می‌گرفت، چند مأموریت ویژه هم از همسرش نصیب اومی شد. گویا همسرش یکی از ملاکین مشهد بوده و عبدا... میرزا برای سرکشی به املاک همسر خان هم که‌شده، بارها به مشهد سفر کرده و در خلال یکی از همین سفرها نیز عکس‌های تاریخی دیگری هم از حرم مطهر رضوی گرفته است.

نسرين ترابی در کتاب «عکاسخانه ایام» خاطره خواندنی یکی از سیاحان اروپایی از مشهد را نقل کرده‌است و احتمال می‌دهد فرد مورد اشاره در خاطره هانری نه دالمانی، عبدا... قاجار، عکاس باشی ویژه دربار ناصری باشد. در خاطرات هانری زنه دالمانی، یکی از سفرنامه نویسان و سیاحان غربی، که با عنوان «مسافرت سه ماهه از خراسان تا بختیاری» در دوره محمد علی شاه قاجار چاپ شده‌است، علاوه بر انتشار عکس‌های فراوان از مشهد و حومه، داستان کتک خوردن یک عکاس با لباس فرنگی هم نقل شده‌است. گویا عکاس باشی دربار ناصری با شمایی اروپایی وارد یکی از پست‌های حرم مطهر رضوی شده و از آنجا که ورود بیگانگان غیرمسلمان به حرم ممنوع بوده‌است، عکاس نگون بخت تاسر حد مرگ کتک می‌خورد و اگر چند آشنا به داد اونمی رسیدند، همان جاریق رحمت راسرکشیده به دیار باقی می‌شتافت.

در نوشتن این مطلب از محتوای کتاب‌های «تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، نوشته یحی ذکاء (انتشارات علمی فرهنگی)، از نقره و نور، جستارهایی در تاریخ عکاسی ایران، نوشته محمد رضا طهماسب‌پور (انتشارات تاریخ ایران)، «عکاسخانه ایام، نوشته نسرين ترابی (انتشارات کله‌ر) و همچنین از مقاله‌های «بعد از قاجار به، نوشته تورج حمیدیان (شماره ۱۸ فصلنامه حرفه هنرمند، زمستان ۱۳۸۵)، «بررسی عکاسان زمان قاجار در آثار باستانی و ابنیه تاریخی، نوشته مه‌ری کسیری و پویا زمانیان (شماره هفتم فصل نامه پژوهش نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی- تابستان ۱۳۹۶) و، «شیشه‌های آشفته، عکس‌های برجامانده، کاری از کاتیا سلماسی» (شماره ۳۹ و ۴۰ نشر به‌بخار، اسفند ۱۳۸۳)، استفاده شده‌است.



تکایای قاجاری مشهد در گذر زمان



همان گونه که در نوشتارهای قبلی درباره تاریخچه ظهور مکانی به نام «تکیه» و سپس تبدیل این مکان به «حسینیه» نوشتیم، اوج فعالیت این فضاها در سال‌های قبل از سده معاصر دوران میانی سلطنت قاجارها در ایران، خاصه دوران ناصرالدین شاهی بود، دوره‌ای که در آن، نه تنها هنرهایی چون تعزیه خوانی، شبیه‌خوانی و پرده‌خوانی مذهبی در اوج بود، بلکه شرایط کشور خاصه پایتخت به نوعی بود که حکام و تاجران تراز اول و افراد صاحب‌نام کشوری و لشکری در تلاش بودند تا با ایجاد تکیه‌هایی به نام خود، نظر سلطان صاحبقران را بیشتر جلب کنند.

درست به همین دلیل است که در آن دوران، حدود ۵۰ تکیه به‌صورت هم‌زمان در پایتخت فعال بود. البته در این بین مشهد و تبریز هم به‌عنوان پایتخت‌های دوم و سوم سلاطین قاجار، کم از پایتخت نداشتند و بسیاری از رجال متنفذ ساکن این شهرها هم راه‌نزدیکی به پادشاه قاجار و خاندان او را ایجاد فضای مذهبی

مورد قبول وی یعنی تکیه می‌دانستند. در مشهد افرادی نیز بودند که راساخت تکیه یا جماعت نخست‌همراهی می‌کردند اما نیت آنان، تقرب نزد سلطانی دیگر یعنی حضرت ثامن^(ع)

اگر آمار موجود در نقشه تهیه‌شده توسط جولیس دالمچ انگلیسی را که از منظر شناسایی مکان‌های موجود در شهر مشهد کامل‌ترین نقشه عهد قاجار شناخته‌شده این شهر تا کنون محسوب می‌شود، ملاک قرار دهیم، باید عنوان کرد در سال ۱۲۴۸ خورشیدی یعنی در میانه‌های عهد ناصرالدین شاهی و کمی بعد از سفر نخست این شاه به مشهد، ۵۲ تکیه در این شهر وجود داشته‌است.

البته وی با توجه به آشنایی‌بودن کامل با فرهنگ شیعه، هر بنای مذهبی شهر به‌جز حرم مطهر رضوی را تکیه خوانده که نمونه بارز آن، گذاشتن عنوان تکیه بر بنای مشهور به گنبد خشتی است که مدفن یکی از آخرین نقبای مشهد یعنی میرسلطان غیاث‌الدین محمد بن امر طاهرا الموسی معروف به امام‌زاده سیدمحمد^(ع) است. با وجود این باز هم این نقشه، دقیق ترین منبع برای شناسایی تکایای مشهد در اوج دوران فعالیت تکایا در ایران زمین است.

۵۲ تکیه ثبت‌شده از سوی دالمچ بر نقشه ۱۲۴۸ خورشیدی مشهد در ۱۵۲ سال گذشته از آن تاریخ، سرنوشت بسیار متفاوتی پیدا کرده‌اند. برخی بزرگ و برخی نیست شده و برخی تغییر نام داده‌اند.

اگر مکان ثبت‌شده روی این نقشه به‌عنوان تکیه را مدنظر قرار دهیم، از این ۵۲ بنا اکنون تنها ۱۶ بنا به‌زندگی خود البته همگی با تغییرات کامل ادامه می‌دهند. این عدم بقای شایان توجه بناهای مذهبی عهد ناصری مشهد تا کنون، دلایل چندی دارد.

یکی از این دلایل بی‌شک همان جوسددینی ایجادشده در دوران پهلوی اول است، فضایی که در آن نه‌تنها ایجاد بنای مذهبی جدید در کل کشور ممکن نبود، تا جایی که در مشهد تنها یک مسجد در منطقه عیدگاه در دوران اوج اجرای سیاست‌های خاص پهلوی اول ساخته شد، بلکه امکان بازسازی این بناها که اغلب به‌دلیل شرایط خاص اقتصادی کشور در سال‌های پایانی قرن گذشته و حضور قوای روس در مشهد در آن دوران، نیازمند بهسازی بودند، فراهم نبود.

اماد دلیل مهم‌تر این ثبات‌داشتن تکایا یا بهتر بگوییم بناهای مذهبی قدیمی بافت نخستین مشهد که مرحله نخست آن در دوران پهلوی اول اجرا شد و بعد هادر اواخر دوران پهلوی دوم و سپس در سال‌های دهه ۱۳۷۳ تا ۱۴۰۰ تکمیل شد، طرح‌های بزرگ و کوچک نوسازی اطراف حرم رضوی بود، طرح‌هایی که هر کدام از آن‌ها تعدادی از ۵۲ تکیه ثبت‌شده در نقشه ۱۲۴۸ خورشیدی مشهد را از روی نقشه‌های جدید حذف کرد.

برای مثال در جریان ایجاد فلکه اولیه حضرت و دو خیابان امام رضا^(ع) و طبرسی کنونی، تکایایی چون تکیه مسجدگاه، شماعی‌ها یا حسن‌بابا تخریب شد

همچنین در جریان اجرای طرح نوسازی اطراف حرم در دوران عبدالعظیم ولیان یعنی سال‌های ابتدای دهه ۵۰ خورشیدی که ثمره آن، فضای سبز بزرگ اطراف حرم مطهر و البته دیوار قطور جداکننده این محوطه‌د از شهر بود، تکایایی چون کورها و شاطرها تخریب شدند و سرانجام در سومین مرحله از تخریب بافت کهن مشهد که حدفاصل ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۰ رخ داد، تکایایی چون ولی نعمت، میرزا جانی، سیدها، کر بلایی حسینعلی، خانه سوخته، حاج محمدخان، مهدی‌خانی و... از نقشه حذف شدند.

اما با تمام این تفاسیر اکنون حدود ۱۶ بنا از تکایای ثبت‌شده روی نقشه دالمچ هنوز به‌زندگی خود ادامه می‌دهند. البته این ادامه‌زندگی هیچ کدام در چارچوب هویت تکیه‌بودن با کاربرد خاص «تکیه» نیست و تنها حسینیه کرمانی‌ها که در نقشه دالمچ در مکان آن تکیه‌بابایی قرار دارد و ظاهرا بعد هادر اختیار کرمانی‌ها قرار گرفته و پس از مدتی «حسینیه» شده، تاحدی کاربرد اصلی تکیه یعنی صفه مسجد نبی^(ص) بودن را حفظ کرده است.

بنای تکیه گنبد خشتی که از ابتدا هم امام‌زاده بود تا تکیه اکنون در نزد همه مردم به عنوان امام‌زاده‌ای واجب‌التعظیم شناخته‌شده و محل رجوع مجاوران و زائران است.

همچنین تکایایی چون خواجهروشنایی، مروی‌ها و سیدجعفر با خوانده‌شدن خطبه مسجد بر زمین آن‌ها اکنون به‌عنوان مسجد استفاده می‌شوند، هرچند مسجد مروی‌ها روزگاری است که به‌دلیل اجرای برخی طرح‌های عمرانی در اطرافش در انتظار بازگشایی مجدد است و صد البته که تکایایی چون سراب، کوچه‌نو، محمد علی‌خان، حاج آقا جان، داروغه، حاج رجب، بهادرخان، قفلگرها، گدا علی، حاج محمدخان و نخودبر نیزها با تغییر عنوان به حسینیه و البته در برخی موارد چون حاج محمدخان به مددیان، هنوز پا برجا هستند و به فعالیت ادامه می‌دهند.

